# گزیدهٔ اندرز پوریوتکیشان

برگرداننده

**ماهیار نوابی**

تهیه و نشر الکترونیک

**علیرضا کیانی**

**( کوروتتر کیانی )**

منتشر شده در تارنمای

WWW.TARIKHFA.COM

## پیشگفتار

یکی دیگر از اندرزنامه های پهلوی این اندرزنامه است که بنام گزیدهٔ اندرز پوریوتکیشان و یا «پندنامه ی زرتشت» خوانده شده است.

پوریوتکیشان (= اوستا paoiryo (paoiryo ، نخستین – tkaesha ، کیش) یعنی نخستین دینداران؛ و زرتشت که این پندنامه به او نسبت داده شده است شاید زرتشت پسر آذرباد مهرسپنتان باشد.

این متن در حدود یکسد و هشتاد سطر و هزار و چهارسد و سی واژه است و برگ های ۴۱ تا ۵۰ نبشته های پهلوی چاپ جاماسپ اسانا را پر ساخته است و پس از «اندرزهای پیشینیان» (ب ۳۹–۴۰) جای دارد.

اندرز پوریوتکیشان با ذکر اصول عقایدی که بر هر فرد زردشتی پانزده ساله دانستن آنها و اعتقاد به آنها واجب و لازم است، و این که اصل همه ی خوبی ها اورمزد و اصل همه ی بدی ها اهریمن است، آغاز می گردد. این عقاید بنابر گفته ی پوریوتکیشان و بر اساس آنچه در دین بیان گردیده، نخست به صورت پرسش مطرح شده است، (هر کس باید بداند که کیستم؟) و سپس به آنها پاسخ داده شده است، (آفریده هستم.) پس از آن عقاید دیگر مانند اعتقاد به حساب پس از مرگ، گذشتن از پل چینود (صراط) آمدن سوشیانس، موعود زرتشتیان و رستاخیز ذکر می‌گردد.

افزون بر اصول اعتقادی، به وظایف عملی مانند هر روز سه بار به آتشکده رفتن نیز اشاره شده است. گرچه این اندرزنامه از نوع اندرزنامه های دینی است، در آن اندرزهای عمومی نیز دیده می‌شود مانند کوشا بودن در کسب فرهنگ، پرهیز از استهزا، و نیازردن پدر و مادر و سالار.

این اندرز به زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی و گجراتی ترجمه و چاپ شده است و اکنون برای نخستین بار نگارنده آنرا به زبان پارسی برمی گرداند، باشد که پذیرفته ی طبع صاحب نظران افتد.

[illegible]

[ [illegible] ]

1 [illegible]

1 TD [illegible] is added afterwards by the same hand. 2 TD omits. 3 TD, JJ [illegible]. 4 TD [illegible]. 5 TD [illegible] struck off and corrected into [illegible]. 6 MK, JJ om. 7 TD [illegible]. 8 MK, JJ [illegible]. 9 JU omits. 10 JU [illegible]. 11 MK, JJ om. 12 MK, JJ [illegible]. 13 JU, TD [illegible]. 14 JJ [illegible]. 15 MK [illegible]; JJ [illegible]. 16 MK, JJ [illegible].

**بنام یزدان**

## گزیدهٔ اندرز پوریوتکیشان (نخستین دینداران)

۱-پوریوتکیشان [۱]، دانشمندان نخستین، برای آشکار ساختن دین [۲] گفته اند که: هر مردم که به دادِ [۳] پانزده ساله [۴] رسد، پس او را این چند [۵] چیز بباید دانستن که: کیَم؟ و خویش کیَم؟ و از کجا آمده ام؟ و باز به کجا شوم؟ و از کدام پیوند و تخمه ام و چه ام خویشکاریِ (= وظیفه) گیتی است، و چه مزدمینو؟ از مینو آمدم یا به گیتی بودم؟ خویشِ هرمزدم یا اهرمن؟ خویشِ یزدانم یا دیوان؟ خویشِ بِهانم یا بدان؟ مردمم یا دیو؟ راه چند و دینم کدام؟ و چیَم سود و چیَم زیان؟ و کیَم دوست و کیَم دشمن؟ بُن آغاز [۶] یک یا دو؟ از که نیکی و از که بدی؟ از که روشنی و از که تاریکی؟ از که خوشبوئی و از که گندی؟ از که داد و از که بیداد؟ از که بخشایش و از که نا آمرزش؟

---

۱-اوستا = paoiryo – tkaesha

در متن پس از پوریوتکیشان یاء اضافت آمده است: poryotkeshan I fartom daneshan

۲-بوسیله ی پوریوتکیشان دارندهٔ نخستین دانستنیها، برای روشن ساختن دین، گفته شده است.

۳-سن

۴-پانزده در متن با رقم نوشته شده است.

۵-متن = اند

۶-متن = Bunishtak = مبدأ، بُن، اصل / bun = اصل.

۲ [illegible]

۳ [illegible]

۴ [illegible]

17 MK [illegible]. 18 JJ [illegible]: MK [illegible] for which the variant [illegible] is written by a later hand on the margin. 19 JU, TD om. 20 JJ [illegible]. 21 MK, JJ [illegible]. 22 JU, TD [illegible]. 23 MK, JJ [illegible]. 24 Omitted in JJ; written in MK by a later hand above the line. 25 JU, TD [illegible]. 26 JU, TD [illegible]. 27 MK, JJ [illegible]. 28 MK, JJ, JU [illegible]. 29 JU [illegible]. 30 MK, JU [illegible]. 31 MK, JJ [illegible]. 32 MK, JJ [illegible]. 33 JJ [illegible]; so also in MK, where it is changed to [illegible] by a later hand. 34 MK, JJ [illegible]. 35 MK, JJ [illegible].

۲-اکنون که گزیدارچم [۷] به میانجیگری راه خرد، بر اینچنین گروشی [۸] دست یافت [۹] پس به بیگمانی سزد دانستن که [۱۰]: از مینو آمدم، نه به گیتی بودم، آفرید هستم نه بوده، خویشِ هورمزدم [۱۱] نه اهریمن، خویشِ یزدانم نه دیوان، خویشِ بِهانم نه بدان، مردمم نه دیو، آفریدهٔ [۱۲] هورمزدم نه اهریمن؛ و پیوند و تخمه ام از گیومرث است، مادرم اسپندارمذ و پدرم هورمزد است و مرا مردمی از مهری و مهریانی [۱۳] است که نخستین پیوند و تخمه ی گیومرث بودند.

۳-و خویشکاری و پیمانم [۱۴] این: هورمزد را به هستی و بی آغازی و بی انجامی [۱۵] و انوشه ی خدائی [۱۶] و بیکرانی و ویژگی و اهریمن را به نیستی و ناپدیدی [۱۷] شناختن [۱۸]، خویشتن به خویشی هورمزد و امشاسپندان داشتن و از اهریمن و دیوان و دیویسنان [۱۹] جدا بودن.

۴-به گیتی، نخست، به دین خستو بودن و دستورهای آنرا کار بستن و ستودن [۲۰] و ازش رو گردان نبودن [۲۱]، گروش، از روی منش، به بهدین مزدیسنان داشتن، سود از زیان و گناه از کرفه، بِهی از بدی [۲۲] و روشنی از تاریکی و مزدیسنی از دیوسنی بگزیدن.

---

۷-معنی، حقیقت، (گزیدارچم = سالک راه حقیقت)

۸-اعتقاد، ایمان

۹-متن = نهاد

۱۰-نبشته ی پهلوی این عبارت (از آغاز بند۲ تا اینجا) آشفته بنظر میرسد و از اینرو در ترجمه این قسمت جای تردید است.

۱۱-بستگی به اهورامزدا دارم

۱۲-متن = دام = آفریده، مخلوق

۱۳-مهری و مهریانی یا مشی و مشیانی، نخستین مرد و زنی بودند که بر اساس اساطیر ایرانی از گیومرث بوجود آمدند.

۱۴-متن = و مرا خویشکاری و پیمان = وظیفه و تعهدم.

۱۵-متن = hamak butih hamak bovetih

۱۶-خدایی جاودان

۱۷-متن = avin butih

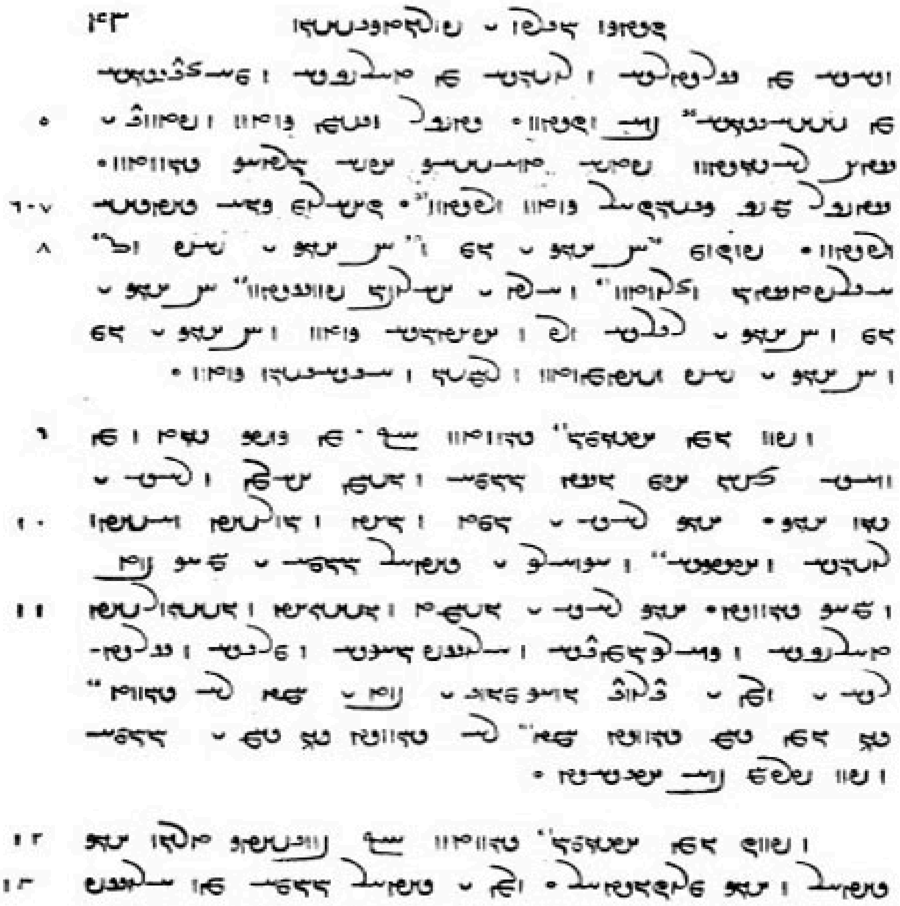
۱۸-متن = minitan

۱۹-دیوپرستان : (Freimann چنین خوانده است) ؛ Kaga این واژه را abyashan خوانده است.

۲۰-متن = varziatr ud yashtar

۲۱-متن = azash avartak butan

۲۲-متن = vattarih



36 JU, TD [Pahlavi]. 37 MK, JU [Pahlavi]. 38–39 JJ omits: [Pahlavi] written in MK by a later hand above the line. 40 JU, TD om. 41 JU, TD [Pahlavi]. 42 MK [Pahlavi]. 43 JJ [Pahlavi]. 44 MK, JJ [Pahlavi]. 45 [Pahlavi] corrected to [Pahlavi] in MK, TD: JJ [Pahlavi]. 46 JJ [Pahlavi].

۵-دو دیگر زن کردن و پیوند گیتی روان ساختن و بهش کوشا بودن و ازش رو گردان نبودن.

۶-سه دیگر زمین را کشت و ورز کردن.

۷-چهارم با گوسپندان [۲۳] از روی داد رفتار کردن. [۲۴]

۸-پنجم سه یک روز و سه یک شب [۲۵] به هیربدستان [۲۶] شدن و خرَد پارسایان فرا گرفتن [۲۷]، سه یک روز و سه یک شب کار و آبادانی کردن و سه یک روز و سه یک شب خوردن و رامش و آسایش کردن.

۹-به این بیگمان بودن که از کرفه سود و از گناه زیان رسد و مرا دوست هورمزد و دشمن اهریمن و راه دین یکی است.

۱۰-یکی راه اندیشه ی نیک و گفتار نیک و کردار نیک و بهشت و روشنی و ویژگی و بیکرانی دادار هورمزد بی آغاز و بی انجام.

۱۱-یکی راه اندیشه ی بد و گفتار بد و کردار بد و دوزخ و تاریکی و کرانه مندی و همه آزاری و مرگ و بدی اهریمن (= گنّامینو) دروند که بوَد ولی نبوَد اندر این آفرینش [۲۸]، باشد ولی نباشد اندر آفریدگان هورمزد و به فرجام تباه شود. [۲۹]

۱۲-و نیز به این بیگمان بودن که بُن آغاز دو است، یکی آفریننده و یکی نابود کننده. [۳۰]

۱۳-آفریننده هورمزد است که همه نیکی و همه روشنی است.

---

۲۳-گله، رمه

۲۴-متن = datiha varzitan

۲۵-یک سوم از شبانه روز

۲۶-جای هیربدان = دین اموزان؛ آموزشگاه

۲۷-متن = pursitan

۲۸-متن = dam

۲۹-متن = apsihet

۳۰-در متن آفریننده

۱۴ [illegible]

۱۵ [illegible]

۱۶ [illegible]

۱۷ [illegible]

۱۸ [illegible]

۱۹-۲۰ [illegible]

۲۱ [illegible]

۲۲ [illegible]

۲۳ [illegible]

---

47 MK, JJ [illegible]. 48 JU, TD [illegible]. 49 MK, JJ [illegible]. 50 JJ [illegible]. 51 MK, JJ om. 52 MK, JJ [illegible]. 53–54 JU, TD om. 55 JU, TD add [illegible]. 56 JJ [illegible]; JU [illegible]; TD [illegible]. 57 JU, TD [illegible]. 58 MK, JJ om. 59 MK, JJ [illegible]. 60 MK, JJ, [illegible]. 61 MK, JJ om. 62 MK, JU, TD [illegible].

۱۴-نابود کنندهٔ اهرمن (= گنّامینو) درونـد است که همه بدی و پُر مرگی و دروغ و فریفتاریست.

۱۵-و به این بیگمان بودن که بجز از سوشیانس [۳۱] و آن هفت کِی، همه کس مرگمند [۳۲] است.

۱۶-و به کندن جان، تباه شدن بدن، آمار به ستوش [۳۳]، بودن رستاخیز و تن پسین [۳۴]، گذشتن از چینود پل [۳۵]، آمدن سوشیانس و کردن رستاخیز [۳۶] بیگمان بودن.

۱۷-و داد مردمی [۳۷] و دین کهن [۳۸] و منش نیک و زبان راستگو و دست نیک کردار داشتن.

۱۸-با همه ی بِهان به دادِ مردمی رفتار کردن. [۳۹]

۱۹-آشتی و همکاری [۴۰] به همه کار و کرفه داشتن.

۲۰-با همه ی بِهان به دادِ خوبِ دینی رفتار کردن. [۴۰]

۲۱-با همه ی آنها که بودند و هستند و خواهند بود هم کرفه و همداستان بودن.

۲۲-داد را کرفه کردن [۴۱] بهتر باشد [۴۲] تا کرفه کردن برای خویش، و بدان پارساتر باشند.

۲۳-و گفتن [۲۳] که: «دینِ مزدیسنان را پذیرفته و بدان بیگمانم، نه برای مهر تن و جان و نه برای خوب زندگی کردن و نه برای بیشتر زندگی کردن و نه اگر از تن جان [۴۴] برود از دین بِه مزدیسنان بازایستم و بدان بیگمانم، کیشهای دیگر را نستایم و بزرگ ندارم [۴۶] و بدانها نگروم.

---

۳۱-موعود دین زرتشت

۳۲-هوش = مرگ؛ در شاهنامه نیز چندین بار بدین معنی بکار رفته است.

۳۳-شب سوم پس از مرگ

۳۴-تنی که پس از مرگ و تباهی در روز رستاخیز باهمه ی مظاهر جسمانی زنده شده و پاداش یا پادافرهٔ کردارش بدو میرسد.

۳۵-پل صراط

۳۶-در اینجا باز عبارت «تن پسین» آمده که مکرر است و زائد.

۳۷-متن = erih = ایرانی = آریا

۳۸-متن = poryotkeshan

۳۹-متن = estatan = ایستادن

۴۰-متن = hamih

۴۱-یعنی برای قانون و بخاطر داد ثواب کردن

۴۲-متن = بهتر برآید

۴۳-متن = گفت، گفتن

۴۴-متن = بوی = boy

۴۵-متن = jut keshan

۴۶-متن = burzum

[illegible]

۲۴ [illegible]

۲۵ [illegible]

۲۶ [illegible]

۲۷ [illegible]

۲۸ [illegible]

۲۹ [illegible]

۳۰ [illegible]

۳۱ [illegible]

63 MK [illegible]. 64 MK [illegible]. 65 omitted in JU; added in TD by a later hand. 66 Omitted in JJ; added in MK by a later hand above the line. 67 MK, TD, JU [illegible]. 68 Changed in MK by a later hand into [illegible]; JU, TD [illegible]. 69 TD, JU [illegible]. 70 JJ [illegible]. 71 JU, TD [illegible]. 72 MK, JU, TD [illegible].

۲۴-چه پیداست که از اندیشه و گفتار و کردار تنها از کردار آمار کنند.

۲۵-چه اندیشه ناپایدار است و گفته بی بند و بار است ولی کرده گرفتار است. [۴۷]

۲۶-چون مردمان را به کنش گیرند [۴۸] این سه راه [۴۹] نیز اندر تن مردمان نهاده شده است.

۲۷-به این سه راه سه چیز مینوی جای و سه دیو [۵۰] راه دارد، به منش وُهومن [۵۱] جای و دیو خشم راه دارد؛ به گِوش ارد جای و ورن (= شهوت) راه دارد، به کنش سپنتَه مینو [۵۲] جای و اهریمن [۵۳] راه دارد.

۲۸-مردم را باید به این سه راه ایستادگی کردن و مال و خواسته و آرزوی گیتی را مزدمینو بنهشتن.

۲۹-چه مردمی که این سه پاسدار را، که گفته شد بر تن خویش دارد، اندیشه از دشمت و گفتار از دشوخت و کردار از دشورشت بپاید. [۵۴]

۳۰-پس باید سپاسدار بودن، و به سپاسداری این توان کردن که روان به دوزخ نرسد.

۳۱-چه تخمه ی [۵۵] مردم چون از پشت پدر به شکم مادر شود پس استویدادش [۵۶] به نهان [۵۷] بندی اندر گریو (= گردن) افکند و تا درازای [۵۸] زندگی آن بندرانه به کمک روان های نیک و نه به کمک روان های بد از گریو گشادان [۵۹] نتوان.

---

۴۷-این جمله کمی آشفته است، جمله را باید اینچنین ویرایش کرد: بدست آوردن = نگاه داشتن

۴۸-یعنی چون آمار کارهای نیک و بد مردم به کنش مربوط است

۴۹-سه راه = منش ، گوش و کنش

۵۰-متن = droc = دروغ

۵۱-یکی از فرشتگان است و یشتی هم در اوستا بنام اوست

۵۲-متن = spanak menog

۵۳-متن = gannak menog

۵۴-دشمت، دشوخت و دشورشت = اندیشهٔ بد، گفتار بد، کردار بد. متضاد هومت، خوخت و هوورشت.

۵۵-متن = patacanbyo، گمان های فراوانی برای معنی این واژه زده اند که هیچکدام را نمی توان بعنوان نظر قطعی پذیرفت.

۵۶-دیو مرگ و نابودی، شکنندهٔ استخوانها، متلاشی کنندهٔ بدن (عزرائیل)

۵۷-متن = minugiha یعنی (بندی) معنوی و روحانی، نه به ظاهر و مادی.

۵۸-متن = drahnay = درازا

۵۹-متن = بکردن

۳۲ [illegible]

۳۳ [illegible]

۳۴ [illegible]

۳۵ [illegible]

۳۶ [illegible]

۳۷ [illegible]

۳۸ [illegible]

73 All [illegible]. 74 MK, JU, TD [illegible]. 75 MK, JJ [illegible]. 76 MK, JJ, TD om. 77 All [illegible]. 78 JU, TD [illegible]. 79-80 Omitted in JJ; added in MK by a later hand on the margin; added also in TD on the margin. 81 MK repeats. 82 MK, JJ [illegible]. 83 JJ omits.

۳۲-ولی، بسته به کردار هر کس، پس از درگذشت، پارسا را آن بند از گریو بیفتد و دروند با همان بند بدوزخ شود.

۳۳-چه هر که اندر گیتی است [۶۰]، بایدش یشتی [۶۱] چند کردن و گناهی که اندر دست و پاست دانستن، مگر او که کر، گنگ یا ناتوان [۶۲] بود، و چون اینهمه کند، بایدش به هیربدستان رفتن [۶۳] و زند آموختن. [۶۴]

۳۴-پدر و مادر، فرزند خویش را، باید این چند کار و کرفه پیش از ۱۵ سال بیاموختن، و چونش این چند بیاموزند، هر کار و کرفه که فرزند کند پدر و مادر را بود و چونش نیاموزند، هر گناه که فرزند به نابخردی [۶۵] کند، همه پدر و مادر را بود. [۶۶]

۳۵-به کرفه همداستان باشید و به گناه همداستان نباشید [۶۷]، به نیکی سپاسدار و به زشتی [۶۸] خرسند، به پریشانی بار بردار [۶۹] و به انجام پیمان [۷۰] کوشا باشید.

۳۶-از همه ی گناهان توبه [۷۱] کنید و بی گناه به پل [۷۲] شوید و گناهی را توبه ناکرده ساعتی [۷۳] بمپلید.

۳۷-و ورن (= شهوت، حرص) و آرزوی بد [۷۴] را به خرد بزنید. [۷۵]

۳۸-آز به خرسندی و خشم به سروش [۷۶] و رشک به نیک چشمی [۷۷] و نیاز به کم خواهی [۷۸] و جنگ به آشتی و دروغ به راستی بزنید.

---

۶۰-متن = اند ۶۱-عبادتی

۶۲-متن = ne pataxsha

۶۳-متن = کردن

۶۴-متن = دانستن

۶۵-متن = mastvarih = بی خردی، مستی

۶۶-متن = o bun bavet = همه (پدر و مادر را) بود، یعنی کاملاً از بنیاد خراب کردی.

۶۷-متن = jut datastan = جدا داستان، متضاد همداستان

۶۸-متن = patiyarak

۶۹-متن = pat astanak barastan

۷۰-متن = frizpanik

۷۱-متن = patit

۷۲-مقصود پل چینود (صراط) است

۷۳-مقیاس سنجش زمان و مکان، معادل تقریباً یک دوازدهم روزهای بلند.

۷۴-متن = awaruna = aparun

۷۵-بوسیله ی خرد شهوت و آرزوی بد را نابود کنید (= بکشید)

۷۶-سروش، نام یکی از فرشتگان و مقابل دیو خشم است (= جبرئیل)

۷۷-متن = hucashmih

۷۸-متن = vitvarih = یعنی کم

[illegible]
[illegible]

۳۹ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۴۰ [illegible]
[illegible]

۴۱ [illegible]
[illegible]

۴۲ [illegible]
[illegible]

۴۳ [illegible]
[illegible]
[illegible]

۴۴ [illegible]
[illegible]

۴۵ [illegible]

84 All [illegible]. 85 JJ [illegible]. 86 Omitted in JJ; added in MK by a later hand above the line. 87 JJ [illegible]. 88 MK, JJ [illegible]. 89 MK [illegible]; JJ [illegible]; TD [illegible]. 90 MK, JJ [illegible]. 91 TD [illegible]. 92 Omitted in JJ; added in MK by a later hand on the margin. 93 MK, JJ [illegible]. 94 All [illegible]. 95 JJ [illegible]; TD [illegible]. 96 JJ [illegible]; JU, TD [illegible].

۳۹-بدانید که جای بهشت بهتر، و شهر مینو خرمتر، و ده آسمان روشنتر، و مان روشن، گرزمان [۷۹] و کرفه ورزی بزرگترین امید تنِ پسین است که او را گزیری نیست.

۴۰-تا میتوانید، بدان را بفرمانروایی مستایید [۸۰]، چه از ستایش نابجا [۸۱]، بدی به تن اندر شود و بِهی راه خویش گیرد. [۸۲]

۴۱-به فرهنگ خواستاری کوشا باشید چه فرهنگ تخم دانش و برش خرد و خرد راهبر دو جهان [۸۳] است.

۴۲-و هم دربارهٔ آن گفته شده است که: فرهنگ اندر فراخیِ پیرایه، و اندر سختیِ پناه، و اندر پریشانیِ [۸۴] دستگیر، و اندر تنگیِ پیشه است.

۴۳-به هیچکس [۸۵] افسوس مکنید [۸۶]، چه مردمان افسوسگر، افسوس بر و بدبخت و نفرین شده باشند و ایشان را کمتر فرزندی شایسته ی ارتشتاری بود.

۴۴-هر روز برای گفتگو [۸۷] به انجمن بِهان فراز روید چه کسی که بیشتر به انجمن بهان رود او را کرفه و پارسایی بیش بخشند.

۴۵-و هر روز سه بار اندر مان آتشان شوید و آتش را نیایش کنید چه کسی که اندر مان آتشان بیش رود و آتش را بیش نیایش کند، او را خواسته و پارسایی بیش بخشند.

---

۷۹-عرش، خانه ی روشن عرش

۸۰-متن = ma burzet = بالا مبرید، برمکشید

۸۱-متن = burzishan I aparun

۸۲-متن = بسپنجد = be sapancet ؛ ممکن است متن را چنین نیز معنی کرد = تا می توانید بَدان را برمکشید (= جایگاه بَدان را بالا مبرید) و بفرمانروایی مرسانید چه از برکشیدن آنها...

۸۳-متن = ۲ axvan = دو گیتی، دو هستی، دو جهان

۸۴-متن = astanak

۸۵-متن = kas-ic kas = کسی

۸۶-کنایه مزنید، طعنه مزنید

۸۷-متن = hampursagih

[illegible]

۴۶ [illegible]

۴۷ [illegible]

۴۸ [illegible]

۴۹ [illegible]

۵۰ [illegible]

۵۱ [illegible]

97 JJ [illegible]. 98 JU, TD [illegible]. 99 JU, TD [illegible]. 100 MK [illegible]; JU, TD [illegible]. 101 MK, JJ [illegible]. 102 TD, JU [illegible]. 103 MK, JJ [illegible] which is changed to [illegible] in MK by a later hand. 104 MK [illegible] above which is added [illegible] by a later hand. 105–106 MK, JJ om. 107 JJ [illegible]. 108 TD [illegible].

۴۶-از آزار پدر و مادر و سردار سخت بپرهیزید کتان تن بدنام و روان دروند نبود.

۴۷-بدانید که از پتیارگی های بیمر که اهریمن (= گنّامینو) دروند آفرید، این سه از همه گرانتر است: بستن بینش چشم و ناشنودن گوش و سه دیگر دیو جنگ. [۸۸]

۴۸-چه پیداست که خورشید، هم این معنی را، هر روز سه بار به مردم گیتی فرمان دهد.

۴۹-بامداد این گوید که: هورمزد به شما که مردمید همی گوید که بکار و کرفه کردن کوشا باشید تا من تان [۸۹] زندگی گیتی به میان کنم.

۵۰-و نیمروز این گوید که: به زن خواستن و فرزند آوردن [۹۰] و دیگر خویشکاری ها کوشا باشید، چه تا تنِ پسین اهریمن و زادگانش [۹۱] ازین دام (= آفریدگان هورمزد) جدا نشوند.

۵۱-به ایوار [۹۲] این گوید که از گناهی که کردستید توبه کنید [۹۳]، تا من شما را بیامرزم. چه پیداست که آنچنان که روشنی خورشید به زمین رسد، گفتار او نیز به زمین آید.

---

۸۸-متن = droc I anashtih

۸۹-متن = tak tan man تا – تان من

۹۰-متن = فرزند ورزیدن

۹۱-متن = vishttagan = گشودگان

۹۲-هنگام عصر، پسین؛ کردی = ivara =پسن

۹۳-متن = pat patit bet

۵۲ [illegible]

۵۳ [illegible]

۵۴ [illegible]

109 JU [illegible]. 110 JU, TD [illegible]. 111 MK, JJ [illegible]. 112 MK, JJ [illegible]. 113 JU, TD [illegible]. 114 JU, TD [illegible]. 115 JU, TD [illegible]. 116 MK, JJ [illegible]. 117 JU, TD [illegible]. 118 Thus all; better [illegible]. 119 MK, JJ [illegible]. 120-121 Added on the margin in TD. 122 TD, JU [illegible]; JU, TD [illegible], for [illegible].

۵۲-اندر جهان مادی [۹۴] به منش و گوش و کنش نادرست [۹۵] نیندیشید و نگویید و نکنید.

۵۳-به نیروی یزدان و راه خرد و دستور دین زیناوندانه [۹۶] بکوشید و بنگرید که چون ارج کرفه آنچنان بزرگ و بیکران است، اهریمن به نهفتاری [۹۷] پدید آور آزار و بدی [۹۸] است و هورمزد برانداختن بدیهای او را آشکارا، اینسان با وی در جنگ؛ پس آن کو که از دین آگاه است به کار و کرفه کردن کوشا باشد و از آن روگردان نباشد.

۵۴-در پایان [۹۹] این هزاره که دین بدی بیمر شود و مزدیسنی بکاستی گراید [۱۰۰] و دین بیداد افزونی گیرد [۱۰۱]، و داد و دین سگالی بِهان و خویشکاریهای نیکوکاران از میان رود و کردهٔ اهرمن و دیوان آشکاره شود، چنانکه سرنوشت [۱۰۲] این است: یعنی به باز پیراستن زمانه از بدی، نابودی پیمان شکنان [۱۰۳] و هم دیو بَهران [۱۰۴] و دشمنان دین، رستگاری نیکوکاران از ستمگران [۱۰۵] و امیدواری آنان، بهم پیوستن کشورهایی که دادِ هورمزد در آنها فرمانرواست [۱۰۶]، پس آماده باشد همه کس را، به یاری بهمن امشاسپند زیستن به آشتی و رامش، و در دین راه خرد پرسیدن، به خرد راه پارسایی گزیدن، و از راه رادی روان را شاد ساختن [۱۰۷] و با نیک چشمی [۱۰۸] جاه خویش بالا بردن، و با هنر نام خواستن، و با فروتنی بر جمع دوستان افزودن [۱۰۹] و با بردباری و امید، پسندیدگی، و با خیم نیکی اندوزی [۱۱۰] و با پارسایی راه روشن گرزمان [۱۱۱] پیراستن، آنجا که هرکس بَرِ نیکوکاری خویش را خورد.

---

۹۴-متن = astowmand = استخوان دار، مادی

۹۵-متن = metoxt = گفتار نادرست

۹۶-متن = zinavandiha = مسلحانه

۹۷-نهانی

۹۸-متن = anakih andaxtar

۹۹-متن = sar

۱۰۰-متن = xvazar = کمی و کاستی

۱۰۱-متن = frahist

۱۰۲-متن = cigonshan en daxshak = چنانکه سرنوشت، تقدیر یا فرمان الهی است؛ دخش = آغاز

۱۰۳-متن= aosihenishan I mihran drocan

۱۰۴-متن = dev-ic bahran = آنها که از خوی دیوی بهره دارند، دیوپرستان

۱۰۵-متن = azidahakan

۱۰۶-متن = cand patvastarah I kishvaran I ohrmazd datastan

۱۰۷-شاید مقصود روانِ گذشتگان باشد، شاد ساختن روان گذشتگان بوسیله ی خیرات و بخشش و برگزاری مراسم و...

۱۰۸-نیک بینی، متضاد دشچشمی

۱۰۹-متن = handozishn = اندوزش، اندوختن

۱۱۰-متن = veh handozishn

۱۱۱-عرش

[Pahlavi text] ۵۰

[Pahlavi text, lines continuing; verses ۵۵, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۵۹]

[Pahlavi text]

123 MK, JJ [Pahlavi]. 124 MK, JJ om. 125 JU [Pahlavi]. 126 MK, JJ [Pahlavi]. 127–128 MK, JJ om. 129 JU [Pahlavi]. 130 JU [Pahlavi]. 131 MK torn, JJ [Pahlavi]. 132 TD [Pahlavi]. 133 MK, JJ [Pahlavi]. 134 MK torn; JJ [Pahlavi]. 135 TD [Pahlavi]. 136 MK, JJ [Pahlavi]. 137 JU [Pahlavi]. 138 TD [Pahlavi].

۵۵-تن [۱۱۲] مرگمند است، روان بین، و کرفه بین، چه روان جاوید است نه تن، مینو جاودان است نه گیتی.

۵۶-تن را، آزرم روان بمهلید و مفراموشید آزرم کسان و فرسایش مال گیتی را. [۱۱۳]

۵۷-دل بر آن چیز مبندید [۱۱۴] که تان تن به پل چینود و روان به با دافراه رسد، بلکه به آن چیز بندید کش بر، رامش بود و همیشه در رامش باشید.

۵۸-خوب کرداری و نیکوکاری کردن از کوشش زاید و هم از دهش، و دهش از خواستن، خواستن از هوش، هوش از دانشِ مینوی (= معنوی) و دانش آن افزاریست که هست و بود و خواهد بود.

۵۹-پس [۱۱۵] بدانید (= بشناسید) راه نو آفرینش را، آموزندهٔ هر چیز را، پیراستار همه ی کارهای شایسته را، و خواستار سود را برای همگان در راهبری دو جهان.

**فرجامید به درود و شادی و رامش.**

---

۱۱۲-در متن پس از تن یاء اضافت افزوده شده است = tan I oshowmand = ای تنِ مرگمند.

۱۱۳-در متن بند ۵۶ پس از واژهٔ «مفراموشید» تمام میشود. بندهای ۵۶ و ۵۷ در متن دیگری بنام «واژه ای چند از آذرباد مهرسپندان» بند ۷۷ بصورت یک جمله و باهم امده است. Kanga و Nyberg بند ۵۶ را پس از واژهٔ «گیتی» تمام می کنند. معنی جمله باید چنین باشد: برای خاطر تن بزرگداشت روان را مهلید و همچنین بزرگداشت مردم و دیرناپایی مال دنیا را فراموش مکنید. در متن پهلوی پس از «مفراموشید» واژهٔ «به» امده است: ... مفراموشید به آزرم کس... ،شاید بتوان اینچنین نیز معنی کرد : «... و برای احترام و بزرگداشت هیچ کس، فرسایش و دیرناپایی مال دنیا را فراموش نکنید «و به سخن دیگر» مال دنیا را از شخصیت هرکس جدا دارید و او را برای فضائلش و نه برای مالش احترام کنید.»

۱۱۴-متن = کام بر ان چیز مبرید

۱۱۵-متن پهلوی = pat-ash = به آن

# تاریخ فــا



تهیه و نشر الکترونیک

علیرضا کیانی

( کوروتر کیانی )

و

احسان م.

دی ۱۳۹۱